



راستگرایان مسیحی آمریکا و سیاست تازه در برابر مسلمانان

مدعی است مسلمانان بنیادگرا در خاورمیانه قادر به ورود به هرم «مدرنیسم» نیستند زیرا مدرنیسم از دیدگاه آنان فسادآور است.

وی می‌گوید آنان شکست را فرجام مدرنیسم می‌دانند و دشمنی با آن را برگزیده‌اند و به همین دلیل بنیادگرایی اسلامی دشمن غرب و آمریکاست. به باور گلز که تحلیلگر و پژوهشگر مسائل خاورمیانه است و پژوهش‌هایی درباره مصر، مغرب و اسلام در خاورمیانه انجام داده است «اسلام جوهر ثابتی دارد و ظاهر متغیری و با گذشت زمان ظاهرش تغییر یافته، اما بنیادش ثابت مانده است».

به گفته گلز «کمال آتاترک» رهبر سکولار ترکیه چنین برداشت و احساسی از اساس اسلام داشت، از این رو کوشش کرد خود را از دایره اسلام خاورمیانه‌ای و شرایط روانی و پیامدهای آن خارج کند.

هانتینگتون نیز که در دیدگاه خود نسبت به اسلام متأثر از گلز است، کشمکش و جنگ اصلی امروز در خاورمیانه را جنگ اسلام بنیادگرا با تمدن غرب می‌داند.

وی مدعی است که این جنگ استراتژی مرحله کنونی است و ریشه این استراتژی به مبنای اختلاف اساسی میان ادیان و انسان‌ها برمی‌گردد که امری ثابت و تغییرناپذیر است.

در میان مدعیان اسلام‌شناس غربی، البته کسانی مانند اسپوزیتو و کارن آمسترانگ نیز وجود دارند که معتدل و میانه‌رو هستند و دیدگاه‌های تحلیلی‌گرایی مانند گلز و هانتینگتون را تعدیل کرده‌اند.

اینان معتقدند که اسلام دینی جهانی است که در دوره‌ای تاریخی تمدن عظیمی را برپا کرده و از این جهت ممتاز و قابل تحسین است.

به باور این کارشناسان اسلام ممتاز است اما مسلمانان دو دسته هستند: معتدل و تندرو که اکنون تندروها اسلام را ربوده‌اند و معتدلان که گوشه انزوا برگزیده‌اند، باید آن را بازگردانند.

در راستای این باور، سران تندرو آمریکا بر مبنای استراتژی جدید خود در قبال خاورمیانه کوشش می‌کنند این نکته را القا کنند که مسلمانان تندرو برای جامعه جهانی زیان آورند و استدلال می‌کنند که گرچه شمار محدودی تندرو رویداد ۱۱ سپتامبر را آفریدند، اما بر همه اعراب مسلمان است که پاسخگوی بحران به وجود آمده باشند. به این طریق سردمداران واشنگتن می‌کوشند عامل این حادثه را به لحاظ روانی و انگیزه، به خارج از جهان غرب ارجاع دهند. براساس همین فرافکنی مهمترین اهداف و برنامه‌های آمریکا در جهان عرب، تغییر بنیادین در این کشورها با توسل به زور و طرح و القای نوعی دموکراسی، تعدیل برخی رژیم‌ها و کشاندن آنها به ایجاد فضای باز سیاسی است.

«ولکر برکس» مدیر بخش خاورمیانه مؤسسه بین‌المللی آلمان اعتقاد دارد که در صورت ناکامی آمریکا در این پروژه- از جمله در افغانستان و عراق- آن کشور دیگر قادر به اقدام‌های مشابه و موازی در سایر کشورهای منطقه نخواهد بود.

وی می‌گوید: در صورتی که هدف و برنامه آمریکا در عراق با موفقیت پیش رود، واشنگتن در مرحله بعدی موضوع از سرگیری مذاکرات اسرائیل و سوریه را مطرح و دنبال خواهد کرد که هدف نهایی آن خلع سلاح حزب‌الله لبنان و مقاومت اسلامی و ملی فلسطین است.

سال ۱۹۹۸ میلادی، کتابی به زبان انگلیسی و عربی به نام «آمریکا و اسلام سیاسی» با عنوان فرعی «جنگ تمدن‌ها یا جنگ منافع» نوشته «فواز جرجس» منتشر شد.

این کتاب به موضوعاتی نظیر اسلام سیاسی، تحولات جهان عرب، منازعه اعراب و اسرائیل، پیمان کمپ دیوید و ترور «انورالسادات» رئیس جمهوری وقت مصر و نیز مسائل افغانستان و عراق پرداخته است.

با اینکه این کتاب پیش از رویداد تروریستی ۱۱ سپتامبر نوشته شد، اما به نظر جرجس چیزی تغییر نکرده و درگیری میان آمریکا و خاورمیانه بر سر منافع است و هدف اساسی این کشور حفظ منافع راهبردی واشنگتن در خاورمیانه بر پایه چهار محور امنیت اسرائیل، تأمین نفت ارزان، تسلط بر گذرگاه‌های استراتژیک و ترسیم مرزهای خاورمیانه است.

در این ارتباط تحول جدیدی که در سیاست آمریکا از زمان «جرج بوش» رئیس جمهوری این کشور پدید آمد، تسلط جناح تندرو و دست راستی مسیحی در آمریکا است که اکنون در دستگاه سیاسی و اداری او بر سر قدرت هستند و به تناسب حوادث فشارهای فزاینده‌ای به کشورهای خاورمیانه وارد می‌آورند.

«پل گروسمن» استاد اقتصاد سیاسی آمریکا معتقد است که جریان راست مسیحی متکی بر اصولگرایی مذهبی آمریکا قدرت بالایی در این کشور دارد. این جریان از زمان «رونالد ریگان» رئیس جمهوری پیشین، جزو حاکمیت و قدرت بود و پس از حوادث ۱۱ سپتامبر بخش مهم تصمیم‌گیری‌های مربوط به خاورمیانه در اختیار آن قرار گرفت.

راستگرایان مسیحی در آمریکا در ابتدا منتقد اسرائیل بودند، اما اکنون به دلیل ضعف دنیای عرب در ایجاد تحولات درونی و سیاسی، براساس اقتضای منافع واشنگتن به هم‌پیمان راهبردی تل‌آویو تبدیل شده‌اند.

برای نمونه در سال میلادی گذشته یکصد هزار تن در واشنگتن پایتخت آمریکا برای دفاع از حق موجودیت اسرائیل تجمع و تظاهرات کردند.

آنچه در این تظاهرات قابل توجه می‌نمود حضور «ژانت بارشال» بود کسی که در آمریکا یک میلیون طرفدار تندرو مسیحی دارد و نیز برخوردار از یک شبکه اطلاع‌رسانی است که هزاران نفر شنونده برنامه‌های آن هستند.

وی طی سخنانی در این تظاهرات گفت: «ما از بلندی‌های جولان سوریه عقب‌نشینی نمی‌کنیم و اجازه تقسیم قدس را نمی‌دهیم، ما امروز با اسرائیل در یک سنگر قرار داریم».

جریان راست مسیحی در آمریکا اکنون هم پیمان اصلی اسرائیل و حامی و طرفدار منافع این رژیم در آن کشور است، رهبران این جریان مانند «رالف رید» سالانه ده‌ها مراسم جمع‌آوری کمک برای اسرائیل را سازماندهی می‌کنند.

تحلیلگران علوم سیاسی و جامعه‌شناسی اعتقاد دارند که این هم‌پیمانی دلایل فراوانی دارد که در صدر آنها آموزه‌های عهد قدیم و جدید (تورات و انجیل) است، زیرا اصولگرایان مسیحی از حادثه ۱۱ سپتامبر تفاسیر و ادعاهای عجیبی کرده‌اند، از جمله اینکه این رویداد به شکست اسلام سیاسی در خاورمیانه و ظهور یک منجی و در نتیجه پایان جهان منتهی خواهد شد.

پس از ۱۱ سپتامبر کسانی که در آمریکا از اسلام سیاسی در خاورمیانه سخن گفته و رهنمودهایی ارائه داده‌اند «ساموئل هانتینگتون»، «برنارد لوئیس» و «گلز» از نویسندگان و صاحب‌نظران جامعه‌شناسی سیاسی هستند.

گلز که روش‌ها و اسلوب تاریخی را در پژوهش‌های خود دنبال می‌کند،